

بررسی کاربرد برجسته‌سازی در احادیث کتاب فضل قرآن اصول کافی (بر اساس نظریهٔ آشنایی زدایی)

دکتر محسن قاسم‌پور^۱

محمد کاظم قهاری کرمانی^۲

چکیده

یکی از شیوه‌های به کاررفته در احادیث برای شیواگویی، روگردانی از ادبیات و سبک گفتار روزمره است. روزمره نبودن کلام، یکی از روش‌هایی است که گاه ادیبان با کاربرد آن به کلام خود گیرایی می‌بخشند، این رویکرد آشنایی زدایی است؛ پدیده‌ای که باید درک آن برای شنونده دست یافتنی باشد. یکی از شیوه‌های این رویکرد ادبی، برجسته‌سازی است. برجسته‌سازی یعنی به کارگیری عناصر زبان به گونه‌ای که شیوه بیان غیرمتعارف باشد و جلب نظر کند. کارکرد این شگرد، جذب مخاطب است و در مکتب نقد ادبی صورت‌گرای روس مورد کنکاش قرار گرفته است.

تلاش نگارندگان در این مقاله آن است که با روش توصیفی - تحلیلی در چارچوب مکتب یاد شده، شگردهای برجسته‌سازی به کاررفته در احادیث کتاب فضل قرآن اصول کافی را جستجو و نتایج کاربست این پدیده را بیابیم و پیامدهای آن را کالبد شکافی کنیم.

برآیندهای این پژوهش نشان‌دهنده آن است که از این سازوکار در احادیث بهره‌گیری شده است، گونه‌های برجسته‌سازی در این بخش از احادیث کتاب اصول کافی بسیار متنوع خودنمایی می‌کنند و چون احادیث این بخش در پیوند با قرآن کریم بوده‌اند، درمی‌یابیم معصومان (ع) در پی راهنمایی آدمیان و ترغیب آنان به سوی این کتاب هدایت‌گر، از هنر و شیوه برجسته‌سازی سخنان خود برای جذب مخاطب سود جستند.

واژگان کلیدی: اصول کافی، کتاب فضل قرآن، مکتب صورت‌گرای روس، آشنایی زدایی، برجسته‌سازی.

۱. دانشیار علوم قرآن و حدیث دانشگاه کاشان ghasempour@kashanu.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه کاشان k.ghahhari@gmail.com

مقدمه

برجسته‌سازی، اصطلاحی است که در مکتب ادبی موسوم به فرمالیسم (صورت‌گرایی) روس به کار برده شده است. صورت‌گرایان در تحلیل متون ادبی بر صورت و شکل (فرم) سخن، توجهی ویژه داشتند و از دیدگاه زیبا‌شناختی و کارکرد عناصر ادبی، به نقد متون ادبی می‌پرداختند. ویکتور اشکلوفسکی^۱ (۱۸۹۳-۱۹۸۴م) از بنیانگذاران مکتب فرمالیسم روسی در اثر خود به نام «رستاخیز واژه‌ها» به طرح نظریه‌ها و دیدگاه‌های خود پرداخته است. وی در سال ۱۹۱۷ میلادی در مقاله‌ای به نام «هنر به منزله شگرد» مسأله آشنایی زدایی را پیش کشید و بر این باور بود که زبان ادبی با زبان روزمره تفاوت دارد، چون دشوارتر و موقرتر است. وی می‌نویسد: این شگرد هنر است که اشیا را ناآشنا می‌کند تا بر دشواری و مدت ادراک بیفزاید؛ چرا که فرایند ادراک به خودی خود یکی از اهداف زیبایی‌شناختی است، پس هنر راه ادراک اشیا است. (سجودی، ۱۳۸۸: ۶۱-۶۵)

صورت‌گرایان عقیده داشتند بسیاری از ادراکات ما به سبب تکرار، دچار عادت شده‌اند (انوشه، ۱۳۷۶: ۷) و ادبیات با پیچیده کردن سخن و ایجاد تغییراتی در زبان روزمره، موانعی بر سر راه شنونده ایجاد می‌کند تا وی را به تأمل بیش‌تر وادار کند. (میرصادقی، ۱۳۷۷: ۲)

بعد از آن فرمالیست‌ها برای توضیح نظریه آشنایی‌زدایی برای زبان دو فرایند خودکاری و برجسته‌سازی را در نظر گرفتند. آن‌ها فرایند دوم را عامل به وجود آمدن زبان ادب، می‌دانند (صفوی، ۱۳۹۴: ۳۹/۱). شفییعی کدکنی به هنگام بحث درباره برجسته‌سازی می‌گوید: انواع برجسته‌سازی را می‌توان در دو گروه موسیقایی و زبان‌تیین کرد. (شفییعی کدکنی، ۱۳۶۸: ۷)

۱- بیان مسأله

یکی از سازوکارهایی که در احادیث معصومان (ع) به کار گرفته شده، استفاده از شگردهای برجسته‌سازی در سخن است. کتاب اصول کافی به عنوان مهم‌ترین و قدیمی‌ترین جامع حدیثی شیعه است. در احادیث این کتاب برجسته‌سازی کارکردی گسترده یافته است و شاهدهایی فراوان از این شگرد در سخنان آن بزرگواران بر اساس گزارش‌های آمده در این کتاب به چشم می‌خورد. با توجه به این که این بخش از سخنان معصومان (ع) مربوط به قرآن کریم و ترغیب و جذب مخاطبان به یادگیری پیام هدایت می‌باشد؛ برای سامان دهی پژوهشی بر پایه خودنمایی پدیده برجسته‌سازی

1. Victor Shklovsky

در احادیث - با نظر داشت پرهیز از دراز دامان شدن سخن - بهتر آن دیده شد احادیث باب فضل قرآن را در کتاب اصول کافی که جاذبه‌های ادبی فراوان دارد، محور این پژوهش قرار گیرد.

۲- پرسش‌ها و اهداف تحقیق

عوامل برجسته‌سازی در سخنان معصومان چگونه خودنمایی می‌کنند و هدف آن بزرگواران از کاربست این شگردها چه بوده است؟

۳- روش تحقیق

برای دست یافتن به اهداف این پژوهش، نخست به معرفی آشنایی‌زدایی و برجسته‌سازی پرداخته می‌شود. در ادامه بر اساس تعریف‌هایی که از برجسته‌سازی کرده‌اند و تعریف مختار نگارندگان، مصادیق آن در احادیث باب فضل قرآن از کتاب اصول کافی بررسی و دستاوردهای پژوهش را برشمرده می‌گردد.

۴- پیشینه تحقیق

بهره‌گیری از داشته‌های زبانی با هدف برجستگی سخن با عنوان‌های گوناگون هم‌چون، عدول، مجاز، توسع و دیگر زیبایی‌های بلاغی از دیر باز مدّ نظر بزرگان ادب عربی بوده است و از آن میان می‌توان این چهره‌های برجسته را برشمرد: سیبویه (م ۱۸۰ هـ. ق.) در الکتاب، فرآء (م ۲۰۷ هـ. ق.) در معانی القرآن، ابو عبیده (م ۲۱۰ هـ. ق.) در مجاز القرآن، جاحظ (م ۲۵۵ هـ. ق.) در البیان والتبیین، ابن قتیبه (م ۲۷۶ هـ. ق.) در تأویل مشکل القرآن، و دیگران هم‌چون قدامة بن جعفر (م ۳۳۷ هـ. ق.) در نقد الشعر، ابن رشیق (م ۴۵۶ هـ. ق.) در العمدة، عبدالقاهر جرجانی (م ۴۷۴ هـ. ق.) در اسرار البلاغة و دلائل الاعجاز و الایجاز، زمخشری (م ۵۳۸ هـ. ق.) در الکشاف، فخر رازی (م ۶۰۶ هـ. ق.) در نهاية الإیجاز و درایة الإعجاز، سکاکی (م ۶۲۶ هـ. ق.) در مفتاح العلوم، ضیاء‌الدین بن اثیر (م ۶۳۷ هـ. ق.) در المثل السائر، خطیب قزوینی (م ۷۳۹ هـ. ق.) در الایضاح، تفتازانی (م ۷۹۲ هـ. ق.) در المطول، زرکشی (م ۷۹۴ هـ. ق.) در البرهان فی علوم القرآن و سیوطی (م ۹۱۱ هـ. ق.) در الإیتقان؛ ولی در نهایت این فرمالیست‌ها بودند که این مفهوم را سامان بخشیدند و نظریه‌ای تحت عنوان آشنایی‌زدایی ارائه دادند. این نظریه، سابقه‌ای دیرینه ندارد و بسیار اندک در مقالات و پژوهش‌های مختلف از آن سخن رفته است. رذ پای این اصطلاح در ادبیات فارسی بیش‌تر از

پژوهش‌های حدیثی به چشم می‌خورد. از جمله آثار علمی که به موضوع این نوشتار نزدیک هستند، می‌توان کتاب‌ها و مقالات زیر را نام برد:

در زمینه حدیث می‌توان از، مقاله «کارکرد تصویر هنری در حدیث نبوی» (سید حسین سیدی، ۱۳۸۶)، مقاله «آشنایی‌زدایی و برجسته‌سازی کلام در خطبه‌های نهج‌البلاغه با بهره‌گیری از صنعت التفات» (علی طاهری، ۱۳۹۴) و مقاله «برجسته‌سازی در خطبه فدکیه حضرت زهرا (ع) (حسن مقیاسی؛ سمیرا فراهانی، ۱۳۹۴) نام برد.^۱

در این میان، پژوهشی که توسط سید حسین سیدی در مقاله «کارکرد تصویر هنری در حدیث نبوی» انجام گرفته به موضوع کارکردهای تصویر هنری در سخنان پیامبر (ص) پرداخته است؛ هم‌چنین پژوهشی که توسط علی طاهری، به نام «آشنایی‌زدایی و برجسته‌سازی کلام در خطبه‌های نهج‌البلاغه با بهره‌گیری از صنعت التفات»، سامان یافته و در آن به نقش کاربرد التفات در قالب انواع تغییرات سبکی از قبیل تغییر در ضمائر، اشخاص، اعداد و ... در خطبه‌های نهج‌البلاغه پرداخته شده است. بنابراین جستجوی مصادیق پدیده برجسته‌سازی در احادیث باب فضل قرآن کتاب اصول کافی و تحلیل فواید کاربردی این شگرد، تا کنون توسط پژوهشگران انجام نگرفته است و این پژوهش برای نخستین بار به این جستار می‌پردازد.

۵- اهمیت و ضرورت تحقیق

از مسایل مهم که امروزه در ادبیات و زبان‌شناسی مطرح است، بازنگری متون کهن بر اساس معیارهای نوین ادبی است. تلاش‌هایی از این دست می‌تواند به شناخت سخنان پیشوایان معصوم (ع) کمک کند. متن احادیث در حوزه شرح واژگان مشکل و غریب مورد توجه پژوهشگران بوده و شایسته است در حوزه‌های دیگر نقد ادبی نیز مورد بررسی و مذاقه قرار گیرد. یکی از این حوزه‌ها برجسته‌سازی است. اهمیت موضوع از آنجا سرچشمه می‌گیرد که این تکنیک در کلام برای انتقاد و رساندن هر چه بهتر مفاهیم و معانی به مخاطب به کار می‌رود.

۶- محورهای بحث

۶-۱: مبانی نظری آشنایی‌زدایی و برجسته‌سازی

آشنایی‌زدایی یا بیگانه‌سازی در ادبیات و هنر به شگردی اطلاق می‌گردد که با استفاده از آن نویسنده یا هنرمند در اثر خود به گونه‌ای نامعمول به اشیا و پدیده‌ها می‌نگرد و به این ترتیب سعی بر

آن دارد تا نگاهی نو به اطراف خود بیندازد. این شگرد اقسام مختلف دارد و اگر چه در دوران معاصر نامی برای خود یافته از دیر باز مورد استفاده بوده است و در ادبیات فارسی بی‌سابقه نیست. به بیان دیگر آشنایی‌زدایی یعنی غریبه و متفاوت کردن آن چه آشنا و شناخته شده و در اصطلاح یکی از تکنیک‌های ادبی است که اولین بار در مکتب شکل گرایان (فرمالیست‌های) روس مطرح شد و یکی از مهم‌ترین نظریه‌های این مکتب به شمار می‌آید. به عقیده اشکولوفسکی - پیشگام این مکتب - وظیفه ادبیات، نه آشنا و قابل فهم ساختن مفاهیم دشوار، که بر عکس، نا آشنا ساختن تعابیر مألوف است و نویسنده مفاهیم آشنا را به گونه‌ای جلوه می‌دهد که گویی پیش‌تر از این وجود نداشته است. (احمدی، ۱۳۸۰: ۴۷)

آشنایی‌زدایی حد و مرزی ندارد؛ البته باید توجه داشت هر گونه آشنایی‌زدایی مصداق خلاقیت ادبی و هنری نیست، هم‌چنین این شگرد، نسبی و تابع زمان و مکان است. (ناظمیان، ۱۳۹۳: ۱۴۶) تمهیدات ادبی ممکن است پس از دوره‌های ادبی مختلف دوباره به صورت مألوف و آشنا در آیند، به طوری که دیگر از اثر بخشی اولیه عاجز می‌مانند، این‌جا است که باید از خود تمهیدات ادبی نیز آشنایی‌زدایی شود تا عملکردی جدید بیابند و قادر به القای تأثیر اولیه باشند. (مقدادی، ۱۳۷۸: ۲۶) فرمالیست‌ها برای توضیح نظریه آشنایی‌زدایی از دو فرایند خود‌کاری و برجسته‌سازی زبان حرف می‌زنند (شمیسا، ۱۳۸۰: ۱۷). برخی معتقد هستند پژوهشگران سبک شناس درباره معیار برجسته‌سازی سخن، اتفاق نظر ندارند. (رضایی هفتادر و دیگران، ۱۳۹۲: ۷۹)

با درنگ در تعریف‌های برجسته‌سازی (صفوی، ۱۳۹۴: ۳۶/۱) و نبود معیار دقیق برای سنجش آن و نیز در نظر گرفتن قدمت متن احادیث، تعریف مختار نگارندگان از برجسته‌سازی در محدوده پژوهش حاضر چنین است:

کاربرد هر واژه‌ای که برای شنوندگان فارغ از روزمرگی بوده، ذهن آن‌ها را به تأمل و جستار درباره مفهوم و معنا و مصداق آن واژه وادار کرده، کاربست واژگانی که ذهن شنونده را به وقایع تاریخی منتقل کرده، عملکرد، اشارات بدنی، تبسم، ابراز ناراحتی و کاربست گونه‌های مختلف آرایه‌های ادبی از قبیل تشبیه، استعاره، مجاز و... همه از مصادیق برجسته‌سازی در سخن دانسته می‌شود. در این جستار برجسته‌سازی به دو بخش مقالی (لفظی) و مقامی (حالی) تقسیم‌بندی و پیامد سنجش مصادیق، آن‌ها ذیل هر عنوان ذکر می‌گردد.

۲-۶: برجسته‌سازی مقالی

هنگامی که سخنور با شکستن معیارهای زبان روزمره با کمک آرایه‌های ادبی، پنداشته‌ها، برگزیدن ترکیب‌ها و واژه‌های فراخور و گاه حتی جابه‌جایی برخی ارکان جمله، زبان را از هنجار کلام رایج و جاری دور کند، به این کار او برجسته‌سازی مقالی گفته می‌شود. در ادامه به برخی از موارد برجسته‌سازی مقالی در احادیث کتاب فضل اصول کافی اشاره می‌گردد.

۱-۲-۶: برجسته‌سازی به واسطه استعاره

به کار بردن کلمه در غیر معنای اصلی استعاره است. استعاره مانند تشبیه می‌باشد و تنها تفاوت آن، این است که مشبه یا مشبه به حذف می‌شود. (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۵: ۱۰۷) کاربرد این آرایه در سخن باعث زیبایی و وقار آن می‌گردد. به نمونه‌هایی از کاربرد این آرایه در احادیث پیشوایان معصوم (ع) اشاره می‌کنیم:

الف - پیامبر (ص) فرمود: «فَاعْبُدُوا الْجَهَّازَ لِئَعْدَ الْمَجَازِ.» (کلینی، ۱۴۲۹: ۴/۵۹۵)

«اسباب و وسایل زیادی فراهم کنید برای این که گذرگاه درازی در پیش است.»

در این کلام، عبارت «بعد المجاز» (گذرگاه دراز)، استعاره از مرگ است. استعاره، گونه‌ای هنجارگریزی معنایی است که باعث برجسته‌سازی سخن می‌شود.

ب - پیامبر (ص) فرمود: «لَهُ نُجُومٌ، وَ عَلَى نُجُومِهِ نُجُومٌ.» (همان)

«[قرآن] ستارگانی دارد و ستارگانش هم ستارگانی.»

در این فراز پیامبر (ص) بی آن که نامی از آیات قرآن به میان آورد، آن‌ها را به ستارگان تشبیه کرده است. به این شگرد استعاره گویند که گونه‌ای هنجارگریزی معنایی و برجسته‌سازی می‌باشد.

۲-۲-۶: برجسته‌سازی به واسطه تشبیه

تشبیه یادآوری همانندی و شباهتی است که از جهت یا جهاتی میان دو چیز مختلف وجود دارد (شفیعی کدکنی، همان: ۵۳). گاهی معصومان (ع) برای تأثیر بیش‌تر سخن در شنونده از تشبیه استفاده کرده‌اند. عبدالله بن سلیمان می‌گوید: از امام صادق (ع) در مورد فرمایش خداوند «... وَ رَتَّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِیلًا» (مزل / ۴) «... و به تلاوت آیات قرآن با توجه کامل مشغول باش» پرسیدم در پاسخ فرمود: امیرمؤمنان علی (ع) می‌فرماید: «بَیِّنُهُ تَبِیَّانًا وَ لَا تُهْذُهُ هَذَا الشَّعْرُ وَ لَا تُنْشَرُهُ نَشْرَ الرَّمْلِ وَ لَکِنْ

إفزعوا قلوبكم القاسية ولا يكن هم أحدكم آخر السورة»، «آن را خوب بیان کن و همانند شعر به شتاب نخوان و مانند ریگ پراکنده نواز، دل‌های سخت خود را به وسیله آن به بیم و هراس افکنید و همتتان این نباشد که سوره را به آخر برسانید.» (کلینی، ۱۴۲۹: ۶۲۸/۴) تشبیه «وَلَا تَهْدَهُ هَذَا الشَّعْرُ» و «وَلَا تَنْثُرُهُ نَثْرَ الرَّمْلِ»، گونه‌ای برجسته‌سازی به شمار می‌رود که به سخن هویت بخشیده است.

۳-۲-۶: برجسته‌سازی به واسطه مجاز

مجاز، یعنی اسناد و نسبت چیزی به چیزی که از آن او نیست. (شفیعی کدکنی، همان: ۹۹) کاربرد به‌جا و مناسب مجاز در سخن، باعث وزین شدن آن می‌شود. توجه به مجاز در فهم حدیث از نکات اصلی در فرآیند فهم آن است. از این جهت بسیاری از عالمان و محدثان، مانند شیخ مفید و سید رضی و علامه مجلسی و... به این جنبه عنایت کرده و حتی آثاری را در این زمینه رقم زده اند، یکی از این آثار کتاب مجازات النبوة سید رضی است. بر این اساس، در ادامه دو نمونه از کاربرد مجاز در احادیث را می‌آوریم:

الف - قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): «وَقَدْ رَأَيْتُمُ اللَّيْلَ وَ النَّهَارَ وَ الشَّمْسَ وَ الْقَمَرَ يُبْلِيَانِ كُلَّ جَدِيدٍ، وَ يُقَرَّبَانِ كُلَّ بَعِيدٍ، وَ يَأْتِيَانِ بِكُلِّ مَوْعُودٍ ...» (کلینی، همان: ۵۹۵)

«و شما می‌نگرید که شب و روز و خورشید و ماه هر تازه‌ای را کهنه کنند و هر دوری را نزدیک سازند و هر وعده‌ای را به سر رسانند...»

در این حدیث، شب و روز و خورشید و ماه به صورت مجاز برای انجام کارهای نام برده شده به کار رفته‌اند. کاربرد این آرایه ادبی گونه‌ای برجسته‌سازی و هنجارگریزی معنایی است که سخن را زیباتر کرده است.

ب - امام صادق (ع) فرمود: «مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ وَ هُوَ شَابٌّ مُؤْمِنٌ اخْتَلَطَ الْقُرْآنُ بِلَحْمِهِ وَ دَمِهِ.» (همان، ۶۰۶)

«هر جوان با ایمانی قرآن بخواند، قرآن با گوشت و خونش بیامیزد.»
در حدیث فوق آمیزش قرآن با گوشت و خون گونه‌ای مجازگویی شمرده می‌شود که به سخن هویت بخشیده است.

۴-۲-۶: برجسته‌سازی به واسطه تشخیص (جان بخشی)

در واقع یکی از زیباترین گونه‌های صور خیال، تصرفی است که ذهن در اشیا و در عناصر بی جان طبیعت می‌کند و از رهگذر نیروی تخیل خویش به آن‌ها حرکت و جنبش می‌بخشد. از این رو هنگامی که از دریچه چشم آفریننده سخن به طبیعت و اشیا می‌نگریم، همه چیز در برابر ما سرشار از زندگی، حرکت و حیات می‌شود. (شفیعی کدکنی، همان: ۱۴۹)، بنابراین نسبت دادن حالات و رفتار آدمی به دیگر پدیده‌های آفرینش را نیز تشخیص گویند، به عبارت دیگر شخصیت بخشی انسانی به موجوداتی جز انسان را تشخیص گویند. به نمونه‌هایی از این گونه برجسته‌سازی در ذیل اشاره می‌گردد:

الف - امام صادق (ع) فرمود: «ثَلَاثَةٌ يَشْكُونَ إِلَى اللَّهِ (عَزَّ وَجَلَّ) مَسْجِدُ خَرَابٍ لَا يُصَلِّي فِيهِ أَهْلُهُ، وَ عَالَمٌ بَيْنَ جُحَاهِ، وَ مُصْحَفٌ مُعَلَّقٌ قَدْ وَقَعَ عَلَيْهِ الْغُبَارُ لَا يَقْرَأُ فِيهِ.» (کلینی، همان: ۶۲۷)

«سه چیز است که به درگاه خداوند شکایت کند: مسجد ویرانی که اهلس در آن نماز نخوانند، دانشمند و عالمی که میان نادان‌ها باشد و قرآنی که گرد بر آن نشسته است و کسی آن را نخواند.» در این حدیث موضوع شکایت کردن، پیش کشیده شده؛ لذا ذهن مخاطب به سمتی سوق داده می‌شود که کسی با قیافه و شکل انسان می‌خواهد لب به سخن بگشاید؛ اما در ادامه سخن از قرآن و مسجد به میان آمده که مخاطب، پیشینه ذهنی با این گونه سخن راندن نداشته و این نوع سخنوری برای او ناآشنا بوده است. - این که مسجد یا قرآن شکوه می‌کنند در ذهن شنونده دهانی برای آن‌ها تصور می‌شود. - به این ترتیب امام (ع) با سود جستن از صنعت تشخیص برای قرآن و مسجد، سخن گفتن را برجسته نمودند.

ب - امام صادق (ع) فرمود: «مَنْ نَسِيَ سُورَةَ مِنَ الْقُرْآنِ، مُثَلَّتْ لَهُ فِي سُورَةِ حَسَنَةٍ، وَ دَرَجَةٍ رَفِيعَةٍ فِي الْجَنَّةِ، فَإِذَا رَأَاهَا، قَالَ مَا أَنتَ؟ مَا أَحْسَنَتْكَ! لَيْتَكَ لِي! فَتَقُولُ أَمَا تَعْرِفُنِي؟ أَنَا سُورَةٌ كَذَا وَ كَذَا، وَ لَوْ لَمْ تُنْسِنِي لَرَفَعْتُكَ إِلَى هَذَا.» (همان، ۶۱۴)

«هر کس سوره‌ای از قرآن را فراموش کند آن سوره در بهشت به صورتی زیبا و مقامی بلند در برابرش نمودار گردد و چون او را ببیند گوید تو کیستی، وه که چه اندازه زیبایی! کاش از آن من بودی؛ [آن چهره زیبا] گوید: آیا مرا نمی‌شناسی؟ من فلان سوره هستم و اگر مرا فراموش نکرده بودی تو را به این درجه می‌رساندم.»

در این حدیث امام (ع) گونه‌ای تشخیص را در ذهن شنونده به تصویر می‌کشد، که این امر باعث وزین گشتن سخن می‌شود.

۵-۲-۶: برجسته‌سازی به واسطه ضرب‌المثل

گاهی معصومان (ع) برای تقریر نکته‌ای از کاربست ضرب‌المثل در سخن سود جستند که هم اثربخشی بیش‌تر داشته است و هم باعث ابتهت و شکوه سخن می‌شود.

امام صادق (ع) فرمود: «نَزَلَ الْقُرْآنُ يَا يَأَاكَ أَغْنَىٰ وَاسْمَعِي يَا جَارَةَ». (همان، ۶۶۵)

«قرآن مانند این ضرب‌المثل عربی «به تو می‌گویم ولی ای همسایه تو گوش کن» نازل شده است.» (نظیر این ضرب‌المثل در زبان فارسی: به در می‌گویم که دیوار بشنود)

منظور از حدیث فوق این است که هرچند خداوند در بعضی آیات قرآن به پیامبر (ص) عتاب فرموده؛ اما مقصود از آن دیگران بوده است.

۶-۲-۶: برجسته‌سازی با تصویرسازی

گاهی برای بهتر فهماندن مطلبی، می‌توان آن را به تصویری بیرون از آن مفهوم تبدیل کرد. در حدیث ذیل پیامبر (ص) قرآن را در ذهن شنونده تجسم بخشیده‌اند. به عبارت دیگر، قرآن را به مانند دریایی تصویرسازی نموده که از سطحی و عمقی برخوردار است، و با این تشبیه کلام را از مسیر روزمرگی بیرون آورده و به آن هویت داده‌اند.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): «وَلَهُ ظَهْرٌ وَبَطْنٌ، فَظَاهِرُهُ حُكْمٌ، وَبَاطِنُهُ عِلْمٌ، ظَاهِرُهُ أُنِيقٌ، وَبَاطِنُهُ عَمِيقٌ.» (همان، ۵۹۵)

«برای آن (قرآن) ظاهری و باطنی است، پس ظاهرش حکم و دستور و باطنش علم و دانش است، ظاهرش جلوه و زیبایی و باطنش ژرف و عمیق است.»

۷-۲-۶: برجسته‌سازی با مقدمه

تقدیم یعنی سخن با عبارتی که جلب توجه کند، شروع شود. این پدیده به گونه‌هایی مختلف، مانند ایجاد رعب، بیان اعداد یا استفهام، می‌تواند خودنمایی کند.

الف - قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): «إِذَا التَّبَسَّتْ عَلَيْكُمُ الْفِتْنُ، كَقَطْعِ اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ فَعَلَيْكُمْ بِالْقُرْآنِ.» (همان)

«هنگامی که فتنه‌ها، هم‌چون پاره‌های شب تاریک، شما را در خود پیچید، بر شما است که به قرآن تمسک جوید.»

در این حدیث، با شگرد تقدیم با رعب، نوعی برجسته‌سازی صورت گرفته که به کلام هویت داده و مخاطب را تشنه ادامه سخن نگاه داشته است.

ب- ابان بن تغلب از امام صادق (ع) نقل کرده: «الْأَناسُ أَرْبَعَةٌ. فَقُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ، وَمَا هُمْ؟ فَقَالَ: «رَجُلٌ أُوتِيَ الْإِيمَانَ وَ لَمْ يُؤْتِ الْقُرْآنَ، وَ رَجُلٌ أُوتِيَ الْقُرْآنَ وَ لَمْ يُؤْتِ الْإِيمَانَ، وَ رَجُلٌ أُوتِيَ الْقُرْآنَ وَ أُوتِيَ الْإِيمَانَ، وَ رَجُلٌ لَمْ يُؤْتِ الْقُرْآنَ وَ لَا الْإِيمَانَ.» (همان، ۶۰۸)

«مردم بر چهار گونه هستند: [اول] کسی که ایمان دارد ولی قرآن به او داده نشده، [دوم] کسی که قرآن را دارد ولی ایمان ندارد، [سوم] کسی که هم قرآن و هم ایمان را به او داده‌اند، [چهارم] کسی که نه قرآن را دارا است و نه ایمان را.»
در این گونه حدیث، امام (ع) در مطلع سخن با شگرد ذکر مقدمه‌ای عددگونه، مخاطب را شیفته شنیدن ادامه آن می‌کند.

ج- امام باقر (ع) فرمود: «بَا سَعْدُ، أَسْمِعْكَ كَلَامَ الْقُرْآنِ؟ قَالَ سَعْدٌ فَقُلْتُ بَلَى صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ، فَقَالَ: «إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَ الْمُنْكَرِ وَ لَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ» فَالْتَهُيْ كَلَامًا وَ الْفَحْشَاءُ وَ الْمُنْكَرُ رِجَالٌ وَ نَحْنُ ذِكْرُ اللَّهِ وَ نَحْنُ أَكْبَرُ.» (همان، ۵۹۴)

«ای سعد کلام قرآن را برایت بگویم؟ عرض کردم: آری، رحمت خدا بر شما باد، فرمود: «همانا نماز از فحشا و منکر باز می‌دارد و هر آینه یاد خدا بزرگ‌تر است.» (عنکبوت/۴۵)؛ پس نهی سخن است و فحشا و منکر مردانی هستند، و ما ذکر خدا و ما بزرگ‌تر هستیم.»
در این بخش از سخن امام (ع) با استفاده از شگرد تقدیم به استفهام، ذهن شنونده را به دنبال پیام بعدی می‌کشاند؛ که گونه‌ای برجسته‌سازی می‌باشد.

۶-۲-۸: برجسته‌سازی به واسطه اغراق

اغراق در سخن به معنای مبالغه است. (زمخشری، ۱۹۷۹: ۴۴۹) این پدیده نیرومندترین عنصر القای بیان هنری است و بسیاری از شاهکارهای ادبی از اغراق در زمینه کلی و عمومی استفاده کرده‌اند. البته اغراق همانند قارچ است که در کنار خیال می‌روید و گاه زیبا و گاهی مایه انحطاط شعر است. (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۵: ۱۳۷) در مواردی پیشوایان معصوم (ع) برای بیان اهمیت موضوع از این شگرد بهره گرفته‌اند.

امام باقر(ع) می‌فرماید: رسول خدا (ص) فرموده است: «إِنِّي لَأَعْجَبُ كَيْفَ لَمْ أَشَيْبُ إِذَا قَرَأْتُ الْقُرْآنَ!» (کلینی، ۱۴۲۹: ۶۶۹/۴)

«به راستی در شگفت هستم چگونه هنگامی که قرآن می‌خوانم مویم سپید نشود!»

۹-۲-۶: برجسته‌سازی به واسطه تکرار

یعقوب احمر گوید: به حضرت امام جعفر صادق(ع) عرض کردم: «إِنَّ عَلَيَّ ذُنُوبًا كَثِيرًا، وَقَدْ دَخَلَنِي مَا كَانَ الْقُرْآنُ يَتَفَلَّتُ مِنِّي، فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «الْقُرْآنَ الْقُرْآنَ...» (همان، ۶۱۵)

«من بدهکاری زیادی دارم و به اندازه‌ای در ناراحتی و اندوه هستم که قرآن را فراموش کرده‌ام، امام فرمودند: قرآن، قرآن!»

آنچه در حدیث فوق سبب برجسته‌سازی شده، تکرار واژه است. در این سخن امام(ع) با بهره جستن از شگرد تکرار هم مرتبه کلام را بالا برده و هم بر اهمیت موضوع تأکید کرده‌اند.

۱۰-۲-۶: برجسته‌سازی با باستان‌گرایی

گاهی شاعر می‌تواند از گونه زمانی زبان هنجار بگریزد و صورت‌هایی را به کار ببرد که پیش‌تر در زبان متداول بوده‌اند و امروز دیگر وجود ندارند. این دسته از هنجارگریزی را باستان‌گرایی می‌نامند (صفوی، ۱۳۹۴: ۵۸/۱). در احادیث خاندان عصمت و طهارت (ع) گاهی ذهن شنونده را به رخدادهای تاریخی و پیامبران پیشین منتقل می‌کنند، که این شگرد نفوذ بیش‌تر سخن را در پی دارد.

الف - رسول خدا(ص) می‌فرماید: «هُوَ مُهَيِّمٌ عَلَى سَائِرِ الْكُتُبِ، فَالْتَّوْرَةَ لِمُوسَى، وَ الْإِنْجِيلَ لِعِيسَى، وَ الزَّبُورَ لِدَاوُدَ.» (همان، ۶۰۰)

«این قرآن بر کتاب‌های دیگر نگهبان و گواه است؛ تورات از موسی، انجیل از عیسی و زبور از داود است.»

ب - امام صادق(ع) فرمود: «إِنَّ اللَّهَ أَوْحَى إِلَى مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ: إِذَا وَقَفْتَ بَيْنَ يَدَيَّ، فَقِفْ مَوْقِفَ الذَّلِيلِ الْفَقِيرِ، وَ إِذَا قَرَأْتَ التَّوْرَةَ، فَاسْمِعْ بِهَا بَصُوتِ حَزِينٍ.» (همان، ۶۳۱)

«خداوند به موسی بن عمران (ع) وحی فرمود: که هر گاه برابر من ایستادی چون شخص زبون و نیازمند بایست، و هر گاه تورات می‌خوانی به آواز حزین بخوان.»

۶-۲-۱: برجسته‌سازی به واسطه شفا بخشی دردهای جسمی

در برخی موارد، معصومان (ع) با وعده به بهبودی بیماری‌های جسمی از طریق قرآن، شنونده را جذب کرده و به سخن هویت بخشیده‌اند. این در حالی است که مردم به صورت عادی برای درمان دردهایشان انتظار تجویز داروهای مادی را دارند.

امام صادق (ع) از پدرانش نقل کرده‌اند که مردی از درد سینه به پیامبر (ص) شکایت کرد، حضرت فرمود: «إِسْتَشَفَّ بِالْقُرْآنِ؛ فَإِنَّ اللَّهَ يَقُولُ: «وَشِفَاءٌ لِّمَا فِي الصُّدُورِ» (همان، ۶۰۰) «به وسیله قرآن شفا بجوی؛ زیرا خداوند می‌فرماید: «(و این قرآن) شفا است برای آنچه در سینه‌ها است.» (یونس/۵۷)

۶-۲-۱۲: برجسته‌سازی به واسطه اخبار غیبی

با توجه به این که ذهن مخاطب معمولاً انتظار دریافت مفاهیم محسوس را از گوینده و یا نویسنده دارد، گاهی احادیث دربر دارنده اخبار غیبی هستند که برای شنونده ناآشنا است و او را مجذوب سخن می‌سازد و باعث برجستگی آن می‌شوند.

امام باقر (ع) می‌فرماید: «يَجِيءُ الْقُرْآنُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي أَحْسَنِ مَنْظُورٍ إِلَيْهِ صُورَةٌ، فَيَمُرُّ بِالْمُسْلِمِينَ، فَيَقُولُونَ: هَذَا رَجُلٌ مِنَّا،... حَتَّى يَنْتَهِيَ إِلَى رَبِّ الْعِزَّةِ فَيَقُولُ: يَا رَبِّ...» (همان، ۶۰۱) «روز قیامت قرآن به بهترین صورت بیاید و بر مسلمانان گذر کند، آن‌ها گویند: این شخص از ما است، از آنان بگذرد و... تا این که به درگاه پروردگار رسد... پس قرآن گوید: پروردگارا...»

۶-۲-۱۳: برجسته‌سازی با هنجارگریزی واژگانی

یکی از شیوه‌هایی که شاعر از طریق آن زبان خود را برجسته می‌سازد؛ به این ترتیب است که برحسب قیاس و گریز از قواعد ساخت واژه زبان هنجار، واژه‌ای جدید می‌آفریند و به کار می‌بندد (صفوی، همان: ۵۳/۱) گاهی معصومان (ع) از ساخت‌ها یا واژه‌هایی در بیان احادیث سود جسته‌اند که در زبان روزمره کاربرد نداشته، چنین انحرافی از زبان، هنجارگریزی واژگانی نام دارد.

الف - قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): «أُعْطِيتُ السُّورَ الطَّوَالَ مَكَانَ التَّوَاةِ، وَ أُعْطِيتُ الْمِئِينَ مَكَانَ الْإِنْجِيلِ، وَ أُعْطِيتُ الْمَثَانِي مَكَانَ الزُّبُورِ، وَ فَضَّلْتُ بِالْمُفْصَلِ ثَمَانٌ وَ سِتُونَ سُورَةً...» (کلینی، ۱۴۰۲: ۴/۶۰۰)

رسول خدا (ص) فرمود: «به جای تورات سوره‌های طولانی به من داده شده، و به جای انجیل سوره‌های صد آیه‌ای، و به جای زبور سوره‌های مثنایی و شصت و هشت سورهٔ مفصل را افزون به من داده‌اند.»

در حدیث فوق، واژگان «طوال»، «مئین»، «مثنایی» و «مفصل» حامل معانی و مفاهیمی جدید بودند که برای شنونده ناآشنا است و باید توضیح داده شوند.^۲

ب- عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ آبَائِهِ، قَالَ: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): «أَيُّهَا النَّاسُ، إِنَّكُمْ فِي دَارِ هُدْنَةٍ... فَقَامَ الْمُقَدِّدُ بْنُ الْأَسْوَدِ، فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَمَا دَارُ الْهُدْنَةِ؟ قَالَ: دَارُ بَلَاغٍ وَانْقِطَاعٍ...» (همان، ۵۹۵)

امام صادق (ع) از پدرانش از رسول خدا (ص) حدیث فرماید که آن حضرت فرمود: «ای مردم شما اکنون در دنیا و خانهٔ سازش و صلح هستید... پس مقداد بن اسود برخاست و عرض کرد: ای رسول خدا خانهٔ سازش یعنی چه؟ فرمود: خانه‌ای که رساننده است (انسانی را به گور رساند، یا در آن خانه کردار نیک برای رسیدن به منزل‌های آخرت ذخیره شود) و جداکننده (یعنی انسان را از علایق دنیا جدا نماید) است.»

در حدیث فوق کاربرد واژه «هدنه» گونه‌ای برجسته‌سازی از نوع هنجارگریزی واژگانی است.

ج- عَنْ الصَّبَّاحِ بْنِ سَيَابَةَ، قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) يَقُولُ: «مَنْ شُدِّدَ عَلَيْهِ فِي الْقُرْآنِ، كَانَ لَهُ أَجْرَانِ؛ وَمَنْ يُسَّرَ عَلَيْهِ، كَانَ مَعَ الْأَوَّلِينَ.» (همان، ۶۱۳)

«صبحاح بن سیابه گوید: شنیدم از امام صادق (ع) می‌فرمود: کسی که به سختی قرآن را یادگیرد دو اجر دارد و آن کس که به آسانی یاد گیرد با اولین است.»

در حدیث فوق واژه «اولین» برای شنونده ناآشنا است و نیاز به توضیح دارد. به همین دلیل علامهٔ مجلسی ذیل این حدیث دربارهٔ واژه «اولین» چنین شرح داده است: «شاید مقصود از اولین آن کسانی باشند که در ایمان به خدا و رسول (ص) پیشی جستند.» (مجلسی، ۱۴۰۴: ۴۹۰/۱۲)

د- عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع)، قَالَ: «أَعْرَبِ الْقُرْآنَ؛ فَإِنَّهُ عَرَبِيٌّ.» (کلینی، همان، ۶۳۱)

«امام صادق (ع) فرمود: قرآن را با اعراب بخوانید زیرا که قرآن عربی است.»

منظور از واژه «أعرب» در حدیث فوق مشخص نشده؛ لذا فیض کاشانی و مجلسی در ذیل آن شرح داده‌اند. فیض گفته: «یعنی فصیح بخوانید و آن را از غلط بر کنار کنید.» (فیض کاشانی،

۱۴۰۶: ۱۷۴۲/۹)، و مجلسی نوشته: «یعنی به لحن‌های عرب بخوانید و تفخیم و ترفیق و ادغام و چیزهای دیگر را در آن به کار برید.» (مجلسی، همان: ۵۰۱)

ه- عَنْ الْفُضَيْلِ بْنِ يَسَارٍ، قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع): إِنَّ النَّاسَ يَقُولُونَ: إِنَّ الْقُرْآنَ نَزَلَ عَلَى سَبْعَةِ أَحْرَفٍ؟ فَقَالَ: «كَذَبُوا أَعْدَاءَ اللَّهِ، وَ لَكِنَّهُ نَزَلَ عَلَى حَرْفٍ وَاحِدٍ مِنْ عِنْدِ الْوَاحِدِ.» (کلینی، همان: ۶۶۵)

فضیل بن یسار گوید: «به امام صادق (ع) عرض کردم مردم می‌گویند قرآن به هفت حرف نازل شده است؛ فرمود: دشمنان خدا دروغ گویند، قرآن به یک حرف و از جانب یکی نازل شده است.» در این حدیث ترکیب واژه «سبعة احرف» برای شنونده ناآشنا است.^۳

۱۴-۲-۶: برجسته‌سازی با هنجارگریزی معنایی

حوزه معنا به عنوان انعطاف پذیرترین سطح زبان، بیش از دیگر سطوح زبان در برجسته‌سازی ادبی مورد استفاده قرار می‌گیرد (صفوی، ۱۳۹۴: ۵۵/۱) در این مقام گاهی شنونده با مفاهیمی روبرو می‌شود که انتظار آن را نداشته و ممکن است با تعجب وی همراه باشد.

الف- سعد خفاف گوید: حضرت باقر (ع) فرمود: «يَا سَعْدُ، تَعَلَّمُوا الْقُرْآنَ؛ فَإِنَّ الْقُرْآنَ يَأْتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي أَحْسَنِ صُورَةٍ نَظَرَ إِلَيْهَا الْخَلْقُ...» (کلینی، همان: ۵۸۹)

«ای سعد، قرآن را بیاموزید؛ زیرا قرآن در بهترین صورت‌ها که مردم دیده‌اند روز قیامت بیاید...»

در حدیث فوق امام (ع) قرآن را موجودی زنده معرفی می‌کنند، که برای شنونده گونه‌ای هنجارگریزی معنایی محسوب می‌گردد.

ب- در ادامه حدیث آمده است: «ثُمَّ يُجَاوِزُ حَتَّى يَنْتَهِيَ إِلَى رَبِّ الْعَرْشِ- تَبَارَكَ وَ تَعَالَى - فَيَخِرُّ تَحْتَ الْعَرْشِ، فَيُنَادِيهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى: يَا حُجَّتِي فِي الْأَرْضِ وَ كَلَامِي الصَّادِقِ النَّاطِقِ أَرْفَعُ رَأْسَكَ، وَ سَلِّ تَغَطُّ وَ اشْفَعُ تُشَفِّعُ فَيَرْفَعُ رَأْسَهُ...» (همان، ۵۹۱)

«پس (قرآن) بگذرد تا به درگاه پروردگار رسد و پای عرش به سجده در افتد، خداوند او را ندا کند: ای حجت من در زمین و ای سخن راست و گویای من، سر بردار و بخواه تا به تو داده شود و شفاعت کن تا شفاعتت پذیرفته شود پس سر بردارد...»

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود در این قسمت از حدیث، قرآن به عنوان شفاعت‌کننده معرفی شده، که این شکرده به عنوان خیر شگفت‌آور است تا مخاطب به وسیله آن به آموختن قرآن که در مطلع حدیث آمده، ترغیب شود.

ج- در ادامه سعد خفاف گوید: «جُعِلْتُ فِدَاكَ يَا أَبَا جَعْفَرٍ، وَ هَلْ يَتَكَلَّمُ الْقُرْآنُ؟ فَتَبَسَّمَ، ثُمَّ قَالَ: «رَجِمَ اللَّهُ الصُّعْفَاءَ مِنْ شَيْعَتِنَا؛ إِنَّهُمْ أَهْلُ تَسْلِيمٍ» ثُمَّ قَالَ: «نَعَمْ، يَا سَعْدُ، وَ الصَّلَاةُ تَتَكَلَّمُ، وَ لَهَا صُورَةٌ وَ خَلْقٌ، تَأْمُرُ وَ تَنْهَى قَالَ سَعْدٌ: فَتَغَيَّرَ لِذَلِكَ لُونِي، وَ قُلْتُ: هَذَا شَيْءٌ لَا أَسْتَطِيعُ أَنَا أَتَكَلَّمُ بِهِ فِي النَّاسِ...» (همان، ۵۹۴)

«عرض کردم: فدایت گردم ای ابا جعفر آیا قرآن نیز سخن گوید؟ حضرت لبخندی زد و فرمود: خدا رحمت کند شیعیان ساده دل ما را که اهل تسلیم هستند (و به سخنان ما گردن نهند) سپس فرمود: آری ای سعد، نماز هم سخن گوید و صورتی و خلقی دارد، فرمان می‌دهد، نهی می‌کند. سعد گوید: از این سخن رنگ من برگشت و گفتم: این سخن را من نمی‌توانم میان مردم بگویم...»

در این بخش از حدیث بازخورد شنونده در برابر سخن امام(ع) پرده از این راز بر می‌دارد که با سخنی روبرو گشته که از دایره مفاهیم هنجار، بیرون است.

۶-۳: برجسته‌سازی مقامی (حالی)

گاهی سخنور برای جذب مخاطب از دایره واژگان و ترکیبات مقالی زبان برون می‌رود و از تغییر در رفتار و حالات روانی در اثربخشی سخن یاری می‌گیرد. این نوع برجسته‌سازی را مقامی (حالی) نامیده می‌گردد. نمونه‌هایی از این نوع برجسته‌سازی در سخنان معصومان (ع) برشمرده می‌شود.

۶-۳-۱: برجسته‌سازی به واسطه عملکرد

گاهی معصومان (ع) با عملکرد خود به اطرافیان، بعضی مفاهیم و کارهای مهم را گوشزد می‌کردند. در واقع به جای سخن با عمل خود آموزش می‌دادند.

الف- زهری گوید: «حضرت علی بن الحسین (ع) فرمود: «لَوْ مَاتَ مَنْ بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ، لَمَا اسْتَوْحَشْتُ بَعْدَ أَنْ يَكُونَ الْقُرْآنُ مَعِيَ وَ كَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا قَرَأَ «مَالِكِ يَوْمَ الدِّينِ» يُكْرَرُهَا حَتَّى كَادَ أَنْ يَمُوتَ.» (همان، ۶۰۳)

«اگر همه مردم مشرق و مغرب بمیرند، من از تنهایی هراس نکنم، در صورتی که قرآن با من باشد، و آن حضرت شیوه‌اش این بود که هر گاه «مَالِكِ يَوْمَ الدِّينِ» را می‌خواند چه بسیار آن را تکرار می‌کرد که نزدیک بود جان به جان‌آفرین تسلیم نماید.»

تکرار آیه در نماز و حالت تضرع و خشوع، گونه‌ای برجسته‌سازی عملکردی محسوب می‌گردد.

ب- حفص گوید: «فَمَا رَأَيْتُ أَحَدًا أَشَدَّ حَوْفًا عَلَى نَفْسِهِ مِنْ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ وَلَا أَرْجَى النَّاسِ مِنْهُ، وَكَانَتْ قِرَاءَتُهُ حُزْنًا، فَإِذَا قَرَأَ فَكَأَنَّهُ يُخَاطَبُ إِنْسَانًا.» (همان، ۶۱۱)

«من کسی را ندیدم که بر خود بیمناک‌تر و امیدوارتر از حضرت موسی بن جعفر (ع) باشد، قرآن را محزون (و با ناله) می‌خواند، هنگامی که قرآن می‌خواند گویا با انسانی روبرو سخن گوید.»

در این سخن امام (ع) با عملکرد خود گونه‌ای از برجسته‌سازی را نمایانده تا به این شیوه برای مخاطب الگوسازی کند.

۲-۳-۶: برجسته‌سازی با تبسم

سعد خفاف گوید: «عرض کردم: «جُعِلْتُ فِدَاكَ يَا أَبَا جَعْفَرٍ، وَ هَلْ يَتَكَلَّمُ الْقُرْآنُ؟ فَتَبَسَّمَ ثُمَّ قَالَ: «رَحِمَ اللَّهُ الصُّعْفَاءَ مِنْ شِيعَتِنَا؛ إِنَّهُمْ أَهْلُ تَسْلِيمٍ» ثُمَّ قَالَ: نَعَمْ...» (همان، ۵۹۴).

«فدایت کردم ای ابا جعفر آیا قرآن نیز سخن گوید؟ حضرت لبخندی زد و فرمود: خدا رحمت کند شیعیان ساده دل ما را که اهل تسلیم هستند (و به سخنان ما گردن نهند) سپس فرمود: آری...»

در این بخش از حدیث، تبسم امام (ع) گونه‌ای برجسته‌سازی است. در واقع ایشان با تبسم پاسخ تعجب شنونده را داده و شاید هم خواسته است بفرماید شما از بسیاری واقعیت‌ها بی‌خبر هستید.

۳-۳-۶: برجسته‌سازی با ابراز ناراحتی

یعقوب احمر گوید: «به حضرت صادق (ع) عرض کردم: «جُعِلْتُ فِدَاكَ، إِنَّهُ أَصَابَتْنِي هُمُومٌ وَ أَشْيَاءٌ لَمْ يَبْقَ شَيْءٌ مِنَ الْخَيْرِ إِلَّا وَ قَدْ ثَقَلَتْ مِنِّي مِنْهُ طَائِفَةٌ حَتَّى الْقُرْآنِ، لَقَدْ ثَقَلَتْ مِنِّي طَائِفَةٌ مِنْهُ، قَالَ: فَفَزِعَ عِنْدَ ذَلِكَ جِئِنَ ذَكَرْتُ الْقُرْآنَ، ثُمَّ قَالَ: «إِنَّ الرَّجُلَ لَيُنْسَى السُّورَةَ مِنَ الْقُرْآنِ فَتَأْتِيهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حَتَّى تُشْرِفَ عَلَيْهِ مِنْ دَرَجَةٍ مِنْ بَعْضِ الدَّرَجَاتِ...» (همان، ۶۱۶)

«جانم فدای شما باد! هر آینه به من اندوه‌ها و ناراحتی‌هایی رسیده که چیزی از خیر و نیکی برابرم نگذارد و همه را از کفم ربوده تا به آن‌جا که قسمتی از قرآن را از یادم برده است، آن حضرت چون به نام قرآن رسید، ناراحت شد، سپس فرمود: همانا شخصی سوره‌ای از قرآن را فراموش کند پس روز قیامت نزدش آید تا از برخی از درجه‌های بهشت به او سر کشد...»

در این حدیث، امام (ع) با ابراز ناراحتی موجبات تأثیر بیش‌تر کلام را فراهم کردند که گونه‌ای از برجسته‌سازی مقامی می‌باشد.

۶-۳-۴: برجسته‌سازی با اشاره دست

گاهی معصوم (ع) با اشاره، مخاطب را متوجه سخن کرده، مانند حدیث ذیل که امام (ع) با اشاره دست این نوع برجسته‌سازی را انجام داده‌اند.

علی بن ابی حمزه گوید خدمت حضرت صادق (ع) شرفیاب شدم پس ابو بصیر به آن حضرت عرض کرد: «جُعِلْتُ فِدَاكَ، أَقْرَأَ الْقُرْآنَ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ فِي لَيْلَةٍ؟ فَقَالَ: «لَا» قَالَ: فَفِي لَيْلَتَيْنِ؟ قَالَ: «لَا» قَالَ: فَفِي ثَلَاثٍ؟ قَالَ: «هَا» وَ أَشَارَ بِيَدِهِ ثُمَّ قَالَ: «يَا أَبَا مُحَمَّدٍ، إِنَّ لِرَمَضَانَ حَقًّا وَ حُرْمَةً، لَا يُشْبِهُهُ شَيْءٌ مِنْ الشُّهُورِ...» (همان، ۶۳۶)

«جانم فدای شما باد! در ماه رمضان همه قرآن را در یک شب بخوانم؟ فرمود: نه؛ عرض کرد: در دو شب؟ فرمود: نه؛ عرض کرد: در سه شب؟ فرمود: آری - و با دست خود اشاره فرمود - (مجلسی گوید: گویا اشاره فرمود که خاموش باش) (مجلسی، همان)، سپس فرمود: ای ابا محمد برای ماه رمضان حقی و حرمتی است که ماه‌های دیگر مانند آن نیستند...»

۶-۳-۵: برجسته‌سازی به واسطه صدای بلند

فراز و فرود صدای یکی از شگردهایی است که گاهی سخنوران برای گیرایی شنونده از آن سود می‌جویند، و این هم گونه‌ای دیگر از برجسته‌سازی سخن است. در احادیث نیز از این شگرد استفاده شده است.

امام صادق (ع) فرمود: رسول خدا (ص) فرمود: «إِنَّ أَحَقَّ النَّاسِ بِالتَّخَشُّعِ فِي السَّرِّ وَالْعَلَانِيَةِ لِحَامِلِ الْقُرْآنِ وَ إِنَّ أَحَقَّ النَّاسِ فِي السَّرِّ وَالْعَلَانِيَةِ بِالصَّلَاةِ وَ الصَّوْمِ لِحَامِلِ الْقُرْآنِ، ثُمَّ نَادَى بِأَعْلَى صَوْتِهِ: يَا حَامِلِ الْقُرْآنِ، تَوَاضَعْ بِهِ؛ يَرْفَعَكَ اللَّهُ...» (همان، ۶۰۷)

«همانا سزاوارترین مردمان به ترس از خدا در نهان و عیان آن کسی است که قرآن را دربردارد، و هر آینه شایسته‌ترین مردمان در نهان و آشکار به نماز خواندن و روزه گرفتن آن کسی است که قرآن را در بردارد سپس به آواز بلند فرمود: ای دارنده قرآن به وسیله آن فروتنی پیشه کن تا خدایت بالا برد.»

نتیجه گیری

عوامل آشنایی زدایی در احادیث اهل بیت (ع) بسیار است. یکی از آن‌ها برجسته‌سازی می‌باشد که با کاربرد آن می‌توان به مخاطب در درک بهتر سخن و زیبایی‌های آن و همچنین درک التذاذ هنری کلام - که یکی از اهداف نقد ادبی است - کمک کرد. در یک نگاه کلی می‌توان گفت که در احادیث معصومان (ع) به نحوی چشمگیر از گونه‌های مختلف برجسته‌سازی سخن برای نفوذ و تأثیر در شنونده استفاده شده است. پیامبر (ص) و امامان (ع) برای بیان مفاهیمی همانند حقیقت قرآن، نقش هدایتی آن، شکایت و شفاعت آن در قیامت، ثواب تلاوت آن، شفا بخشی آن، نحوه خواندن و ختم آن و دیگر مفاهیم در این زمینه که توده مردم از آن‌ها ناآگاه هستند، برای القای هر مفهومی از شگردهای ویژه‌ای سود جستند، تا رسالت رساندن پیام هدایت را به بهترین شکل ادا کنند.

در جای جای این احادیث، معصومان (ع) در پی بیان پیام‌هایی مهم هستند که در قالب تمثیل، تشبیه، استعاره، تقدیم، تبسم، ابراز ناراحتی و عملکردهای گوناگون شنونده را جذب کرده و ذهن او را به تأمل و فعالیت درباره این مفاهیم وادار کرده؛ و در نهایت هدف اصلی - رساندن پیام هدایت - را دنبال نموده‌اند. بنابراین معصومان (ع) از مجرای هنر - برجسته‌سازی سخن - برای هدایت انسان‌ها بهره برده‌اند که این کاربرد زاده تفنّن نیست؛ بلکه یک ضرورت است. البته برجسته‌سازی در احادیث باب فضل قرآن از کتاب اصول کافی به موارد مورد بحث در این مقاله محدود نمی‌شوند.

پی‌نوشت‌ها

- ۱- در زمینهٔ برجسته‌سازی و هنجارگریزی در ادبیات نیز می‌توان از مقاله‌های «نگاهی به برجسته‌سازی ادبی» (کوروش صفوی، ۱۳۷۳)، «آشنایی‌زدایی و هنجارگریزی نحوی در شعر فروغ فرخزاد» (مدرّسی و غنی دل، ۱۳۸۵)، «آشنای‌زدایی از داستان‌های قرآنی در دیوان خاقانی» (کرمی و نیکدار اصل، ۱۳۸۵)، «برجسته‌سازی از طریق تکرار یک واژه در بوستان سعدی» (احمد رضایی، ۱۳۸۷)، «بررسی شگردهای برجسته‌سازی زبان در قصاید خاقانی» (پورالخاص و عباسی، ۱۳۹۴)، نام برد. آثار یاد شده و دیگر آثار که در زمینهٔ برجسته‌سازی و هنجارگریزی در حوزهٔ شعر و ادبیات وجود دارد، موضوع بحثشان شعر است.
- ۲- مفسران و لغویان، هم‌چون ابن عباس به دلیل ناآشنا بودن این واژگان، از قرن اوّل هجری در صدد بیان و شرح این اصطلاحات بودند (سیوطی، ۱۴۲۱: ۲۲۴/۱؛ رامیار، ۱۳۶۹: ۵۹۴).
- ۳- پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) به دلیل ناآشنا بودن این ترکیب واژه، در صدد بیان و شرح این اصطلاح بودند (خویی، بی تا: ۱۶۹؛ معرفت، ۱۳۸۱: ۲۰۱).

منابع و مآخذ

۱- قرآن کریم

- ۲- احمدی، بابک (۱۳۸۰)، *ساختار و هرمونوتیک*، چاپ اول، تهران: گام نو.
- ۳- انوشه، حسن (۱۳۷۶)، *فرهنگ نامه ادبی فارسی*، چاپ اول، تهران: سازمان چاپ و انتشارات فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۴- خوبی، سید ابوالقاسم (بی تا)، *البیان فی تفسیر القرآن*، قم: مؤسسه احیاء آثار الامام خوبی.
- ۵- رامیار، محمود (۱۳۶۹)، *تاریخ قرآن*، چاپ سوم، تهران: امیرکبیر.
- ۶- رضایی هفتادر، غلامعباس؛ ابراهیم نامداری؛ علی اکبر احمدی (۱۳۹۲)، «آشنایی زدایی و نقش آن در خلق شعر»، *ادب عربی (علمی پژوهشی)*، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، پاییز و زمستان ۱۳۹۲، شماره ۲، صص ۶۹-۸۸.
- ۷- زمخشری، محمود بن عمر (۱۹۷۹)، *اساس البلاغة، الطبعة الأولى*، بیروت: دارصادر.
- ۸- سجودی، فرزانه (۱۳۸۸)، *ساخت گرای پیاساخت گرایی و مطالعات ادبی (مجموعه مقاله: سوسور، اشکولوفسکی، موکاروفسکی و...)*، گروه مترجمان، چاپ دوم، تهران: سوره مهر.
- ۹- سیوطی، جلال الدین (۱۴۲۱)، *الاتقان فی علوم القرآن*، الطبعة الثانية، بیروت: دارالکتب العربی.
- ۱۰- شفیع کدکنی، محمدرضا (۱۳۷۵)، *صور خیال در شعر فارسی*، چاپ ششم، تهران: نشر آگاه.
- ۱۱- _____ (۱۳۷۳)، *موسیقی شعر*، چاپ چهارم، تهران: نشر آگاه.
- ۱۲- شمیسا، سیروس (۱۳۸۰)، *نقده ادبی*، چاپ اول، تهران: فردوس.
- ۱۳- صفوی، کوروش (۱۳۹۴)، *از زبان شناسی به ادبیات*، چاپ پنجم، تهران: سوره مهر.
- ۱۴- فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی (۱۴۰۶)، *الوافی*، الطبعة الأولى، اصفهان: کتابخانه امام امیرالمؤمنین علی (ع).
- ۱۵- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۲۹)، *اصول الکافی*، الطبعة الأولى، قم: دارالحديث.
- ۱۶- مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۴)، *مرآة العقول فی شرح اخبار الرسول*، الطبعة الثانية، دارالکتب الاسلامیة، تهران.
- ۱۷- معرفت، محمد هادی (۱۳۸۱)، *علوم قرآنی*، چاپ چهارم، قم: مؤسسه فرهنگی التمهد.
- ۱۸- مقدادی، بهرام (۱۳۷۸)، *فرهنگ اصطلاحات نقده ادبی از افلاطون تا عصر حاضر*، چاپ اول، تهران: انتشارات فکر روز.
- ۱۹- میرصادقی، جمال و میمنت (۱۳۷۷)، *واژه نامه هنر داستان نویسی*، چاپ اول، تهران: مهناز.
- ۲۰- ناظمیان، هومن (۱۳۹۳)، «آشنایی زدایی و برجسته سازی در سوره مبارکه واقعه»، *زبان و ادبیات عربی (علمی پژوهشی)*، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی، بهار و تابستان ۱۳۹۳، شماره ۱۰، صص ۱۳۹-۱۶۶.